



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

فصل: دوم بخش: ... درس: پنج نام طراح: فاطمه اکبری آواز	به نام خدا	محتوای نوشتاری کتاب جامعه شناسی پایه یازدهم
--	------------	---

باورها و ارزش های بنیادین فرهنگ غرب

اهداف یادگیری:

هدف کلی: آشنایی با باورهای عمیق و بنیادین فرهنگ غرب.

اهداف جزئی:

- آشنایی با ویژگی هستی شناختی فرهنگ معاصر غرب (سکولاریسم).
- آشنایی با ویژگی انسان شناختی فرهنگ معاصر غرب (اومانیسم).
- آشنایی با ویژگی معرفت شناختی فرهنگ معاصر غرب (روشنگری).
- مقایسه بین فرهنگ غربی و اسلامی در لایه های سطحی و عمیق آن.

انتظارات پس از مطالعه:

- دانش آموز بتواند سکولاریسم را توضیح دهد.
- دانش آموز بتواند اومانیسم را توضیح دهد.
- دانش آموز بتواند روشنگری را تعریف کند.
- دانش آموز بتواند تفاوت بین سکولاریسم آشکار و پنهان را بیان کند.
- دانش آموز بتواند سه رویکرد تاریخی به روشنگری در غرب را با یکدیگر مقایسه کند.
- دانش آموز بتواند فرهنگ غربی و اسلامی را در پاسخ به سه پرسش بنیادین با یکدیگر مقایسه کند.
- دانش آموز بتواند فرهنگ غربی را در پاسخ آن به سه پرسش بنیادین فرهنگی، مورد نقد (مثبت و منفی) قرار دهد.

توضیح:



ما از تشبیه برای فهم بهتر مطالب استفاده می کنیم؛ زیرا وقتی تشبیه می کنیم می توانیم بهتر موضوع را متوجه شویم و احساس نزدیکی بیشتری با موضوع می کنیم. به طوری که گاهی یک موضوع خیلی پیچیده یا سخت با تشبیه برایمان قابل فهم تر می شود. ما یادگرفتیم که برای فهم یک فرهنگ اگر آن را به آدمی تشبیه کنیم می توانیم بهتر درکش کنیم. دو بعد اساسی آدمی روح و جسم اوست. بنابراین در تشبیه فرهنگ به آدمی می توانیم بگوییم عقاید و ارزش ها مثل روح هستند (یعنی: عمیق، کمتر در معرض تغییر، اساسی تر و غالباً ذهنی تر هستند) و هنجارها و نمادها و آداب و رسوم همچون جسم آدمی (یعنی: نسبت به لایه های عمیق، سطحی تر، بیشتر در معرض تغییر و تنها در صورتی که بر لایه های عمیق تأثیر بگذارند، اهمیت ویژه می یابند و دست آخر غالباً عینی ترند).

نکته: یاد گرفتیم که لایه های عمیق فرهنگ در پاسخ به سه سوال بنیادین هستی شناسانه، انسان شناسانه و معرفت شناسانه شکل می گیرد.

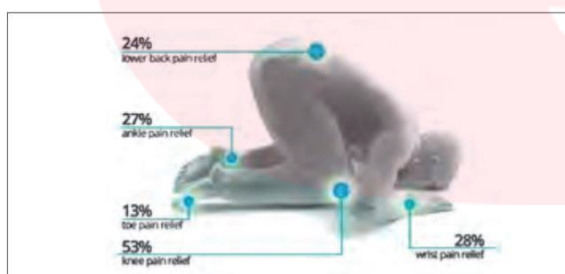
در این درس قرار است تا با پاسخ فرهنگ غرب به این سه سوال بنیادین و در نتیجه لایه های عمیق فرهنگی آن آشنا شویم. خوب چرا فهم اینها اهمیت دارد؟؟؟؟!!

چون: همونطور که می دانیم لایه های سطحی تحت تاثیر لایه های عمیق شکل می گیرند، پس اگر ما با لایه های عمیق فرهنگ غرب آشنا شویم، فهم کنش های اجتماعی و لایه های سطحی فرهنگ غرب امروزی برای ما آسان تر و روشن تر می شود. لازم به ذکر هست که بگوییم: به فرهنگی که مشخصه پنج قرن معاصر و آخر فرهنگ غربی هست، فرهنگ غرب می گوییم. پس برویم با جواب فرهنگ غرب به این سه سوال بنیادین آشنا شویم.

سکولاریسم

جواب فرهنگ غرب به سوال هستی شناسانه هست و به این معناست که دنیا جهان هستی تنها به دنیای مادی محدود می شود. به طور کل جهان هستی و وجود دارای دو بعد مادی و معنوی است. حال فرهنگ غرب در برابر بعد مادی دو نوع رویکرد دارد: ۱. بعد معنوی جهان را انکار می کند (در نتیجه این نوع نگاه می توان از سکولاریسم آشکار سخن گفت) ۲. بعد معنوی را می پذیرد اما از آن در جهت رسیدن به منافع مادی و در راستای اهداف مادی به صورت گزینشی بهره می برد، بدین معنی که تنها آن بخش هایی که برایش مفید است را می پذیرد و همه چیز را توجیه مادی می کند حتی مسائل ذاتاً معنوی را (در نتیجه این نوع نگاه می توان از سکولاریسم پنهان یاد کرد) در این راستا و مطابق با نوع نگاه سکولاریسم پنهان است که حرکت هایی با عنوان پروتستانتیسم شکل گرفت.

نمونه توضیح مباحث روحی و معنوی با توجیهات مادی و بهره گرفتن از مباحث معنوی در جهت منافع مادی را می توان در تصاویر زیر مشاهده کرد.



■ توجیه هنجارها و رفتارهای دینی با تفاسیر دنیوی؛ مطابقت دادن حرکات نماز با حرکات ورزشی و بیان مفید بودن آن برای سلامت بدن



■ دیدار سران کشورهای اروپایی با پاپ

مقایسه بین فرهنگ دنیوی (همچون غرب) و فرهنگ های دینی و معنوی (همچون اسلام)

فرهنگ دنیوی: ۱. توجه بیشتر به دنیا به خصوص در رویکرد علمی شان (دنیا به عنوان هدف اصلی) ۲. جهان بینی سکولار منجر می شود دینداران رفتار خود را توجیه مادی کرده یا رفتارهای معنوی شان را پنهان کرده و در خلوت ببرند.

فرهنگ معنوی: ۱. دنیا به عنوان وسیله رسیدن به حق، قرب الهی و سعادت حقیقی است نه هدف نهایی ۲. کسی که در این فرهنگ دنیای مادی را هدف خود قرار دهد، به رفتار خود ظاهری معنوی می پوشاند.

اومانيسم

پاسخ فرهنگ غرب به پرسش انسان شناختی است. بدین معنا که در این فرهنگ انسان به عنوان محور و ملاک همه امور و مسائل محسوب می شود. یعنی به جای اینکه در محور هستی خالق حقیقی قرار گیرد انسان است که اهمیت ویژه و برتر پیدا می کند. این انسان تنها به بعد مادی اش محدود می شود و به عنوان محور دنیا قدرت تصرف و تسلط بر هر آنچه هست را پیدا می کند. در حالی که در فرهنگ اسلامی انسان محور نیست بلکه برترین نشانه الهی است که به عنوان خلیفه پروردگار بر روی زمین مسولیت آبادانی این دنیا را برعهده دارد. ولی باید سعادت حقیقی خودش را نه در این دنیا بلکه در آخرت جستجو کند. بنابراین از محدودیت های این دنیایی اش فراتر می رود و به خداوند متعال نزدیک می شود و وجودی برتر از جسم مادی اش می یابد.

اومانيسم در فرهنگ غرب به طور مشخص خود را در سه بعد نشان داد که توضیح می شود:

قبل از دوره مدرن (دوره قرون وسطی): تأکید بر بعد معنوی و نمایش ابعاد معنوی و مقدس در هنر

۱. هنر

دوره مدرن: تأکید بر بعد جسمانی و زیبایی های جسمانی

نکته: یکی از ریشه های این نوع هنر علاوه بر موارد گفته شده، این است که غرب در این دوران به دوره یونان و روم باستان بازگشت داشت و در دوره یونان بر این نوع هنر توجه بیشتری می شد.

دوره قرون وسطی: تأکید بر سیر و سلوکات معنوی و مکاشفات الهی

۲. ادبیات:

دوره مدرن: تأکید بر حالات روحی و روانی آدمی در زندگی روزمره (توجه به رمان)

تأکید بر فطرت الهی و ابعاد معنوی آدمی

۳. حقوق:

تأکید ابعاد دنیایی و توجه به خواسته ها و تمایلات آدمی

www.my-dars.ir

گاه در فرهنگ دینی کسانی دارای تمایلات و خواسته های دنیایی وجود دارند که برای کسب قدرت و سازگار شدن با بافت فرهنگی موجود که دینی است، به ظاهر معنویات را رعایت کرده و تمایلات دنیوی شان را با فعالیت ها و رفتارهای دینی می پوشانند. به طور مثال فرعون که با جود دنبال کردن تمایلات نفسانی اش در ظاهر مجبور به حفظ برخی معنویات بود. او برای توجیه رفتارهایی که موافق خواسته هایش بود، با عباراتی همچون من خدای برتر شما هستم به کارها و موقعیتش رسمیت می بخشید.

روشنگری

روشنگری در اصطلاح به معنای تحول فکری و فلسفی، ایجاد فکر و اندیشه نوین هست که به معنای خاصش از غرب و با رنسانس آغاز میشود اما روشنگری به معنای عامش که برداشتن موانع رسیدن به حق و حقیقت است مربوط به دوره معاصر غرب نمی شود بلکه رسالت حقیقی پیامبران الهی نیز محسوب می شود. زیرا آن ها نیز برای رسیدن آدمیان به حق و حقیقت تلاش کردند.

به طور کل سه نوع ابزار شناخت اصلی داریم که شامل عقل، وحی و تجربه می شود. حال روشنگری که ویژگی معرفت شناختی غرب است رویکردهای متفاوتی به این سه ابزار نشان داده است. روشنگری در معنای خاص خود مربوط به فرهنگ معاصر غربی است ولی در طول دوره ای که آغاز شده است یک ویژگی مشترک دارند که همان کنار زدن و بی توجهی به ابزار وحی است

نکته: این نوع نگاه بیش از همه نشأت گرفته از تاریخ غرب است که به دلیل مشکلات و رفتار افراطی مسیحیت تحریف شده، در دوره قرون وسطی به طور کل وحی کنار زده شد و حس و تجربه به دلایل متعدد همچون موفقیت های متعدد و قابلیت آزمایش فرضیه هایش (و به علاوه نوع نگاه به هستی و انسان) در مرکز توجه قرار گرفت.

رویکرد به روشنگری و نحوه کسب شناخت در تاریخ غرب:

۱. سده ۱۷ و ۱۸: غلبه رویکرد عقل گرایانه. در این سده در غرب وجود خداوند انکار نمیشد ولی اعتقاد بر این بود که خداوند هستی را آفرید و سپس آن را بدون برنامه رها کرد. بعد از آفرینش جهان حال آدمی است که به عنوان محور هستی آن را اداره می کند.

۲. سده ۱۹ و ۲۰: غلبه رویکرد حس گرایانه. علم تجربی در این دوران به دلیل اهمیت روش تجربی و حس و تجربه اهمیت پیدا می کند. این نوع علم تجربی تنها رویکردی سکولار دارد بدین معنی که دلیل روشش که تنها از طریق حواس مسائل را مورد بررسی قرار می دهد هستی به همین دنیای مادی محدود شده و در این دوران وجود خداوند به طور کل (و هم در وجود دنیا هم در ادامه هدایت آن) حذف می شود. این نوع علم تجربی به دلیل

ابزار مورد استفاده اش نمیتواند امور ذهنی و غیر قابل مشاهده همچون اهداف، ارزش ها، آرمان ها و ... را مورد بررسی و ارزیابی (خوب و بد کردن) قرار دهد. در این نوع علمی تنها خواسته های آدمی می تواند ملاک قرار گیرد همه چیز در راستای این هدف به خدمت گرفته شود.

۳. **پایان قرن ۲۰:** در این دوران تاکید بیش از حد به علوم تجربی انتقاداتی به همراه دارد که منجر می شود به نوعی بازگشت توجه به دیگر روش های شناخت و توجه به بعد معنوی انسان نیز مطرح شود. این دوران با عنوان بحران معنویت شناخته می شود و شکل گرفتن عرفان های دروغین، اجلاس های معنوی و... نشانه های چاره اندیشی برای این بحران محسوب می شود. در بحران معرفت شناختی به دنبال دوره پیشین تشخیص صحیح و غلط باورها، اندیشه ها، هنجار و کنش ها امکان پذیر نیست.

نکات مهم:

- ❖ حرکت های مذهبی پروتستانتیسم جزو سکولاریسم پنهان هستند.
- ❖ اومانیسم نتیجه منطقی سکولاریسم است.
- ❖ اومانیسم به ترتیب در هنر، ادبیات و حقوق ظاهر شد.
- ❖ وجه مشترک روشنگری در فرهنگ غربی در دوره های مختلف، کنار گذاشتن وحی است.

تصاویر:



■ هنر قرون وسطی بر بعد معنوی وجود انسان تاکید داشت اما هنر مدرن به بعد جسمانی وجود انسان توجه دارد.



■ تصویر فرعون، نقاشی های دیواری مصر باستان



مفاهیم:

پروتستانتیسم: پروتستان ها یک شاخه از مسیحیت محسوب می شوند که با عنوان معترضین شناخته می شوند. اما چرا؟ چون نسبت به کلیسای کاتولیک در آن دوره از تاریخ غرب و برخی از مهم ترین قوانین تحریف شده آن اعتراض داشتند. بنیان های اصلی اعتراض این گروه را عقاید مارتین لوتر شکل می دهد.

بحران معنویت: در دنیای پست مدرن اواخر قرن بیستم باور انسان غربی به مفاهیم از بین می رود به این معنا که نمیتوان به صحیح یا غلط بودن یک چیز اطمینان داشت و نداشتن ملاک برای ارزیابی موضوعات و مسائل باعث می شود که صرف خوشایند یا ناخوشایند بودن یک چیز برای انسان سبب ارزشگذاری آن شود

بسط مفهومی: در زمان های گذشته برای سنجش خوب بودن یا اصل بودن و عیار طلا از یک سنگ محک استفاده می کردند و این خود به عنوان یک ملاک ارزیابی طلا اهمیت داشت حالا تصور کنید برای مفاهیم و اخلاقیات و کنش های آدمی و فرهنگ ها هم بهتر هست یک سنگ محک یا ملاک برای ارزیابی خوب و بد بودن ارزش ها و مفاهیم و کنش های فرهنگی داشته باشیم. اگر این ملاک وجود نداشته باشد نمیتوان گفت چه چیزی خوب یا بد است در واقع با توجه به میل و خواسته آدمی یک مسئله یا موضوع خوب و بد شناخته می شود.

پاسخ تمرین ها:

گفت و گو کنید ص ۳۹

- می توان گفت کنش های ما آدمیان تحت تأثیر دو نیروی قوی است یک نیروی درونی که اراده ما بیشتر در آن دیده می شود، عامل اصلی انقلاب ها، خلاقیت ها و نوآوری های ماست و یک نیروی بیرونی که آن را جامعه و اجزای فرهنگی می دانیم که در آن زندگی می کنیم. در واقع بخش مهمی از کنش ها و اعمالی که انجام می دهیم تحت تأثیر نیروی اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. شخصی که در یک فرهنگ سکولار یا دینی زندگی می کند و تمایل دارد رفتاری خلاف بافت فرهنگی آن جامعه اجرا کند دست کم باید اینگونه رفتار را در خلوت خود انجام داده و در محیط عمومی جامعه با آن هماهنگ شود چون در غیر اینصورت به عنوان یک مخالف یا ناهمراست با جامعه با انواع مجازات های رسمی و غیر رسمی (عرفی) روبه رو خواهد شد.

- قطعاً رفتارهای دینی همچون نماز خواندن با پیامدها و آثار دنیوی نیز همراه است زیرا نمی توان آدمی را بدون جسم آن تصور کرد و هر عمل دینی نیز خواه ناخواه با پیامدهای دنیوی همراه می شود؛ اما نکته مهم این است که مقصود اصلی عمل که مربوط به روح و معنویت انسان است به فراموشی سپرده نشود یا تحت الشعاع این فایده دنیایی قرار نگیرد. بلکه درست این است که با اولویت بخشیدن به هدف اصلی اعمال دینی (که معطوف به بعد دینی و روح انسان است) هدف دنیایی آن نیز نادیده گرفته یا انکار نشود.

مقایسه کنید ص ۴۲

در فرهنگ دینی با توجه به مبانی الهی و وحی قوانین و حقوق فرهنگی جامعه متناسب با همین موضوع نگاشته می شود ولی در فرهنگ سکولار چون خداوند و وحی و هر آنچه معنویت است حذف می شود در حقوق و قوانین نیز به جای در نظر گرفتن معنویات خواسته های آدمی مورد توجه قرار می گیرد. در فرهنگ دینی چون اعتقاد است که آدمی دارای روح و فطرت الهی است و همچنین جهان پس از مرگ نیز وجود دارد همه قوانین تحت تأثیر این مسائل قرار می گیرد اما در جهان سکولار روح فطرت آدمی و جهان پس از مرگ انکار می شود به همین دلیل

است که به طور مثال در فرهنگ اسلامی ما قصاص برای قتل عمد داریم ولی در فرهنگ سکولار چون جهان و ادبی به همین مادیات محدود می شود، مجازات قصاص وجود ندارد بلکه به جای آن زندان و حبس ابد در نظر گرفته می شود.

معنای واژگان:

شالوده: اساس و بنیان

ایدئولوژی: جهان بینی، نوع نگاه به هستی

نمودارهای کمکی درس:



نمودار انواع سکولاریسم

هنر	<ul style="list-style-type: none"> • قرون وسطی: بعد معنوی و امیختگی با مسائل معنوی و مقدس • دوره مدرن: بعد مادی و توجه به زیبایی های بدنی
ادبیات	<ul style="list-style-type: none"> • قرون وسطی: سیر و سلوک های عارفانه و مکاشفات الهی • دوره مدرن: توجه به حالات روحی و روانی انسان در زندگی روزمره
حقوق	<ul style="list-style-type: none"> • قرون وسطی: نزدیکی به معنویات و فطرت الهی (گرچه مسیحیت آن دوران تحریف شده بود) • دوره مدرن: تطابق با خواسته، تمایلات و نیازهای مادی انسان

نمودار ظهور اوانیسم در سه بعد هنر، ادبیات و حقوق

www.my-dars.ir

سوالات تألیفی مشابه نهایی (پایه مذکور فاقد نهایی است):

۱. عبارات صحیح و غلط را مشخص کنید. ۷۵/نمره

الف) عقاید و ارزش های بنیادین هر فرهنگ، عمیق ترین لایه های آن را تشکیل می دهد.

ب) سکولاریسم پاسخ فرهنگ غرب به ویژگی انسان شناسی فرهنگ غرب است.

ج) توجه به دنیا در همه فرهنگ ها وجود داشته است ولی در فرهنگ معنوی آبادی دنیا هدف مستقلى نیست.

۲. جاهای خالی را با عبارات مناسب کامل کنید. ۱/۵ نمره

الف) اروپا در پنج قرن اخیر کانون شکل گیری فرهنگ جدیدی است که آن را می نامند.

ب) پروتستانتیسم نتیجه سکولاریسم است.

ج) روشنگری در معنی خود پدیده ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست.

۳. گزینه صحیح را انتخاب کنید. ۲/۵.

الف) غلبه رویکرد عقل گرایانه در روشنگری مربوط به سده و می شود.

۱. شانزدهم و هفدهم ۲. هفدهم و هجدهم ۳. هجدهم و نوزدهم ۴. نوزدهم و بیستم

۴. به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید.

الف) اومانیسم خود را در چه ابعادی از فرهنگ غرب نشان داد؟ ۱/۷۵.

ب) کرامت و خلافت انسان در چه صورت محقق می شود؟ ۱/۵.

ج) رویکرد روشنگری غرب در پایان قرن بیستم به چه صورت نمایان شد؟ ۱/۲۵.

۵. به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید.

الف) حقوق در فرهنگ معاصر غرب با حقوق در فرهنگ اسلامی را مقایسه کنید. ۲

ب) سکولاریسم آشکار و پنهان را با یکدیگر مقایسه کنید. ۱

ج) هنر قرون وسطی را با هنر دوران مدرن با یکدیگر مقایسه کنید. ۲

د) مبانی بنیادین فرهنگ غربی را در دو مورد نقد کنید. ۱

سوالات کنکوری (سال ۹۹) که به صورت مستقیم و غیر مستقیم با این درس در ارتباط هستند:

سوال ۲۱۸: به ترتیب این موارد ویژگی کدام جهان است؟

-علمی که از روش های فراتجربی استفاده می کنند علم نمی شناسند.

-فرد اندیشه اش را به صورت گفته یا نوشته بیان می کند.

-برای بقاء و تداوم ارزش ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می دهد.

-در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی تابد.

(۱)متجدد-فرهنگی-اجتماعی-غرب (۲)تکوینی-فردی-اساطیری-دنیوی

(۳)غرب- انسانی سکولار- اساطیری (۴)سکولار-تکوینی-توحیدی-سرمایه داری

سوال ۲۱۹: به ترتیب موارد زیر با چه موضوعی ارتباط دارند؟

-توجه به گفتار طرف مقابل هنگام گفت و گو

-پرداختن به حالات روانی ادیان در زندگی روزمره دنیوی

-حفظ فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیرغربی

(۱)پدیده اجتماعی-بحران هویت-تک محصولی شدن

(۲)هنجار اجتماعی-سکولاریسم پنهان-عملکرد لیبرالیسم

(۳)جامعه پذیری- فرهنگ اساطیری-وابستگی کشورهای استعمارزده

(۴)کنش اجتماعی-ویژگی ادبیات مدرن-رشد و تحول کشورهای استعمارزده

ارجاعات:

<http://fa.wikipedia.org>

www.mehrnews.com

کلید سوالات کنکوری:

سوال ۲۱۹: گزینه چهار

سوال ۲۱۸: گزینه یک

www.my-dars.ir